

## نظام الملک ثانی امیر علیشیرنویایی

عبدالرحیم قاضی \*

### چکیده

ادوار و اعصار تاریخ ایران هر یک اهمیت خاص خویش را دارند؛ خصوصاً در منطقه خراسان بزرگ که شامل قومیت و طوایف مختلف است و در دوره های معاصر جمهوریهای آسیای میانه و اقوام مختلف به چنین سوابق تاریخی و فرهنگی رویکرد ویژه ای داشته اند که در راستای نیل به هویت فرهنگی و تاریخی در فرآیند استقلال برایشان اهمیت اساسی دارد. قزاقها بر شخصیت حماسی به نام مانای تأکید داشتند، ترکمنها بر مختومقلی فراغی، شاعر پرآوازه و مسکین قلیچ و نیز جدالهای سهمگین ترکمنها با سربازان تزاری در نیمه دوم قرن نوزدهم توجه می نمودند، تاجیکها بر عصر سامانیان و رودکی شاعر متکی بودند و ازبک ها بر عصر تیموریان، شخص امیر تیمور و بزرگانی چون شاهرخ میرزا، الف بیگ و امیر علیشیرنویایی که موضوع این مقاله است توجه خاصی از خود نشان دادند.

کلیدواژه ها: امیر علیشیرنویایی، تیموریان، سلطان حسین بایقرا، هرات، جامی، نقشبندیه.

### مقدمه

امیر علیشیرنویایی شاعر مهردار، میر دیوان و وزیر دربار، شخصیت برجسته سیاسی و فکری دوران سلطان حسین بایقرای تیموری می باشد. دوره امیر علیشیرنویایی دوره ای درخشان در تاریخ فرهنگی ایرانیان و ترکان که مورد توجه و علاقه محققان اروپایی چون بارتولد و مینورسکی نیز قرار گرفته است. امیر علیشیرنویایی در حقیقت نماینده حیات ادبی و فرهنگی ترکان در دوره ای است که این فرهنگ کاملاً تحت نفوذ فرهنگ ایرانی-اسلامی قرار گرفته است.

میر علیشیرنویایی و سلطان حسین بایقرا در سال های ۸۹۲-۸۷۳ هجری دارای روابط نزدیک بوده اند که بعدها به علت فعالیت‌های عمرانی و ساختمانی را میر علیشیر که دربردارنده مشکلاتی برای خزانه سلطان حسین بود، زمینه ساز بخشی از دلایل مغضوبیت او در سال های آینده نزد سلطان بوده است.

\* کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد

وی با همه مشغله ای که در امورات سیاسی داشت، از مطالعات علمی و تألیفات مختلف دست بر نداشت و مجلس او مجمع علما و فضایی آن روزگار و کتابخانه وی نیز مورد استفاده دانش پژوهان بوده و خواندمیر نیز از آن کتابخانه بهره فراوان برده است. سرانجام امیر علیشیر از امورات دولتی کناره رفت و منزوی گشت و تا آخر عمر، درویشی را بر همه امور ترجیح داد و با نورالدین عبدالرحمان جامی مصاحب گشت.

### امیر علیشیر نوایی

نظام الدین امیرکبیر معروف به امیر علیشیر نوایی معروفترین و کاربلدترین و دانشمندترین وزیر دوره تیموری و از بزرگ زادگان خاندان جغتایی، حاکم ماوراءالنهر و کاشغر و بلخ و بدخشان بود. وی در ۱۷ رمضان سال ۸۴۴ هجری / ۹ فوریه ۱۴۴۱ میلادی در شهر هرات و در ناحیه دولتخانه، نزدیک پل تولکی متولد شد. مادرش دختر ابوسعید چنگ از امیرزادگان کابل بود که در دستگاه تیموریان دایه بود و به همین سبب فرزندش نسبت به حسین بایقرا کوکلتاش (برادر رضاعی) بود. پدرش امیر غیاث الدین کجکنه (کجکینه) از ترکان جغتایی و حاکم سبزواری و در خدمت شاهرخ تیموری بود. وی پس از مرگ شاهرخ برای حفظ جان خود راه شیراز را در پیش گرفت و کودک شش ساله با استعداد خود را به همراه برد و در تفت با شرف الدین علی یزدی مورخ مشهور دیدار کرد. امیرعلیشیر ایام کودکی خود را در مصاحبت حسین میرزا بایقرا در مشهد گذراند و بدین علت رشته دوستی این دو مستحکم بود تا زمانی که حسین میرزا بایقرا بر هرات مسلط شد و امیر علیشیر را در سال ۸۷۶ هجری به امارت دیوان منصوب کرد. نفوذی که او اعمال می کرد به قدری مؤثر و مقتدرانه بود که پس از سلطان شخص دوم دولت و مملکت به حساب می آمد روابط بین حاکم و مشاورش در طی این دوران محکم و عمیق شد و این حالت سالها ادامه داشت و در سال ۸۹۲ هجری به مدت پانزده ماه حاکم استرآباد شد و پس از یک سال استعفا کرد. وی به هدایت مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی به طریقه درویش نقشبندی گروید. امیرعلیشیر مؤلف و نویسنده شایسته ای بود و به کارهای هنری علاقه داشت و *خمسه المتحیرین* را در شرح حال حضرت جامی نوشت. او را پندر ادبیات ترکی معرفی می کنند، وی زبان ترکی را بر فارسی

مرجع می پنداشت و محاکمه اللقتین را در همین موضوع نوشت و تذکره او به نام مجالس النفائس مشهور است.

امیرعلیشیر در ایجاد مدارس و محافل علمی در خراسان و رفع نواقص حکومت تیموریان و ایجاد رفاه عمومی برای مردم می کوشید وی از میزان بار مالیاتها کاست و دست مأموران فاسد را کوتاه کرد و سرانجام در سال ۹۰۶ هجری قمری در هرات از دنیا رفت و مزارش در آن شهر هنوز معروف است. غیاث الدین بن هماد الدین خواندمیر - صاحب آثار نفیسی چون حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، همایون نامه، دستورالوزراء، منتخب تاریخ و صاف، مکارم الاخلاق و... و خواهرزاده میر خوان - در خصوص مرگ وی شعر ذیل را سروده است:

جناب امیر هدایت پناهی	که ظاهر از او گشت آثار رحمت
شد از خارزار جهان سوی باغی	که آنجا شکفتست گلزار رحمت
چو نازل شد انوار رحمت به روحش	بجو سال فوتش ز «انوار رحمت» (۹۰۶)

جنازه امیر را با احترام کامل شاهزادگان و بزرگان کشور در عیدگاه شهر هرات بردند و عموم اهل آن شهر بر وی نماز گزارند و حسنعلی جلایر که طغای امیرعلیشیر بود جنازه آن امیر را در گنبد گوشه مدرسه علیشیر در سر پل انجیل هرات دفن کردند.<sup>۱</sup>

#### امیر علیشیرنوبلی و تصوف

امیر علیشیرنوبلی به تصوف گرایش داشت و به شیوخ طریقت نقشبندیه اظهار ارادت می کرد و خود را پیرو طریقت نقشبندیه می خواند و در پایان عمر نیز منصب جارو کشی خانقاه خواجه عبدالله انصاری پیر هرات را اختیار کرد که اساساً نشان دهنده گرایش او به تصوف است. بدین سبب او خانقاههایی را نیز بنا کرد یا در مرمت و بازسازی آنها کوشید که مهمترین آنها خانقاه اخلاصیه بود. خانقاههای دیگری چون شفائیه و زیارتگاهها و آرامگاههایی برای شیوخ صوفی عصر مانند عمارت مزار نورالدین عبدالرحمان جامی که به وی ارادت بسیار می ورزید، عمارت سر مزار خواجه ابوالولید آزادانی - مشهور به پیر مجرد - که از اساتید علم حدیث بود و امیر تیمور نیز به زیارت وی آمده و به وی ارادت داشت و عمارت سر مزار

۱- جامی، نورالدین عبدالرحمان، (۱۳۸۳)، رساله منشآت، تصحیح عبدالعلی نوراحراری، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ص ۲۵۸.

شیخ محیی غزالی طوسی و خانقاه مزار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، توسط او بنا شده است. وی تا آخر عمر تنها زیست و هرگز همسری اختیار نکرد.<sup>۱</sup>

وی در سمرقند و در خانقاه خواجه فضل الله ابواللیثی که ابن سینای ثانی خوانده می شد سکونت داشت، دو سال از درس او بهره مند شد و در هرات در محضر نورالدین جامی علم عروض و اصطلاحات صوفیه آموخت و نزد حافظ علی جامی قرائت قرآن را فرا گرفت و در مجلس درس ملا احمد تفتازانی نیز در مسجد جامع شهر هرات حضور شرکت می کرد.<sup>۲</sup>

اکنون از مدرسه و مسجد جامع و خانقاه و دارالشفاء و دلرالحفاظ امیر علیشیر هیچ اثری باقی نمانده و هنگام تخریب مصلی به کلی از میان رفته است و حتی هنگام تخریب مصلی مقبره امیر علیشیر و گنبد آن نیز ویران شده است.

بعدها در سال ۱۳۶۶ هجری قمری در زمان عبدالله ملک یار نایب الحکومه هرات ترمیمات و تعمیرات مزار وی انجام شد که توسط مهندسین هروی به اتمام رسید<sup>۳</sup> و اکنون نیز گنبد روی مقبره آن از بین رفته است.

وی در مراسم دفن مولانا نورالدین جامی به همراه سلطان حسین بایقرا و سایر امرا و ارکان دولت تیموری و تمامی اعیان ملک و ملت حضور داشت و برای آرامش روان جامی به اطعام طعام و ختم قرآن پرداخت<sup>۴</sup> و در ماده تاریخ وفات وی این بیت را سرود:

کاشف سر الهی بود بی شک ز آن سبب گشت تاریخ وفاتش «کاشف سر اله» (۸۹۸ هجری)

این وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا به خواجه عبیدالله احرار - از مشایخ بزرگ نقشبندیه در ترکستان - نیز سخت ارادت می ورزید و با وی که در سمرقند بود مکاتبه می کرد. وی نامه های احرار را در مرقعی گرد آورده است. وی از احرار به عنوان قطب وقت یاد کرده<sup>۵</sup> و شرح حال او را در *نسایم المحبه*

۱- فراهانی مفرد مهدی (۱۳۸۲). *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صص ۷-۲۲۶.

۲- همان، ص ۲۰۵.

۳- چو فکری ز تاریخ ختم بنایش همی جست ز اندیشه و دل نهانی

خرد سر ز یاری بر آورد و گفتا شد آباد قبر علیشیر فانی (۱۳۶۶ هجری قمری)

۴- هدایت رضاقلی خان. (۱۳۶۹). *مجمع النصح*، به کوشش مظاهر مصفد ج ۴، تهران: امیر کبیر، ص ۱۱۷.

۵- نوایی، میر علیشیر. (۱۳۶۳). *تذکره مجالس النفاوس*، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات منوچهری، ص ۱۸۴.

آورده است. وی به مناسبت وفات او ماده تاریخ «خلد برین» را تصنیف کرده است.<sup>۱</sup> امیرعلیشیر در زبان ترکی جغتایی و فارسی، نویسنده و شاعر زیر دستی بود و مؤسس شعر جغتایی نیز هست. در زبان جغتایی، «نوایی» و در زبان فارسی «فانی» تخلص می کرد مجموعه اشعار وی در فارسی خمسه *المتحیرین* نام دارد.<sup>۲</sup>

### امیر علیشیر نوایی و سلطان حسین بایقرا

#### الف- فرهنگی

سلطان حسین بایقرا برخلاف برخی از حکمرانان تیموری و بیشتر حکومتگران تاریخ ایران که از فرهنگ وسیله ای برای اعتلای حکومت و ماندگاری نام و نشان می ساختند، پیوند عمیق با فرهنگ داشت که ریشه در قبل از دستیابی وی به قدرت دارد وی نه تنها برای پیشبرد فرهنگی جامعه تلاش کرد بلکه خود از زمره مردان فرهنگ این سرزمین به شمار می رود. او دارای رساله ای به نام *رساله معما* و اشعاری به زبان پارسی است. امیر علیشیر نوایی در تذکره *مجالس النفاثس* به ذکر اشعار ترکی حسین بایقرا بسنده می کند و از آن ستایش و دارای رساله ای به زبان فارسی به نام «گل و مل» می باشد که در قالب مثنوی مناظره بین گل و شراب است.

حسین بایقرا در ادب ترکی دارای دو اثر مشخص است که نخست *دیوان اشعار* و دیگر *رساله منشور* است. وی در رساله منشورش به امیر علیشیر نوایی و تلاشهای او در مسیر ارتقا و اعتلای زبان ترکی جغتایی اشاره کرده و می نویسد که تا زمان حاضر هیچ مردی معانی بکر را جامه ترکانه نپوشانیده و آن نازنینان را با این خلعت زیبا به جلوه ظهور در نیاورده بود و در همین رساله علیشیر نوایی را با نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلوی مقایسه می کند. از نظر وی استاد سخن نظامی خمسه را در سی سال به پایان برد و امیر خسرو دیوانش را با تقریباً دو سوم ابیات خمسه در ۷ سال سرود، ولی علیشیر نوایی تنها در دو سال این کار را به انجام رسانید و این سخنان نمایانگر این است که حسین بایقرا گرچه در عرصه

۱- خواند میر (بی تا) حبیب السیر فی اخبار افراد بشر. زیر نظر محمد دبیر سیاقی. ج ۴، تهران: پیام، ص ۱۰۹.

۲- حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۶۱)، *تاریخ نه خسته های فکری ایرانیان (از مولوی تا جامی)*، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، صص ۵-۳۴۴.

سیاست با علیشیر نوایی درگیر تنشهای جدی بود ولی در عرصه فرهنگ و نهضت تقویت زبان ترکی، با او هم عقیده بود.<sup>۱</sup>

### ب- سیاسی

سلطان حسین بایقرا در فرمانی تصریح می کند که با علیشیر از اوایل عهد، بلکه در کودکی، به واسطه نسبت رضاعی و... امتزاج و اتصال داشته است و آیه شریفه «و السابقون السابقون، اولئک المقربون» (واقعه: ۱۱-۱۰) در خصوص رابطه خود با علیشیر و برادر انگاشتن او، ناظر بر همین پیشینه است.

امیر در نخستین سالهای حکومت سلطان حسین بایقرا در هرات، مشاور اصلی سلطان بود ولی زمزمه های مخالفت از سوی علیشیر در سرباز زدن از قبول مناصب رسمی، خیلی زود آغاز شد. وی بیشتر مایل بود ندیم یا اتکجی سلطان باشد، چرا که در غیر این صورت به سبب خاستگاه قبیله اش نسبت به دیگر قبایل، او به جایگاهی که خود را شایسته آن می دانست، دست نمی یافت. امیران قبیله اوغور، که نوایی بدانها وابسته بود، به رسم ترکان و مغولان، در دربار پس از امیران قنقرات، قیات، ترخان، ارلات و برلاس قرار می گرفته اند. به همین دلیل، او که خود را نزدیکترین شخص به سلطان می دانست، با قبول منصب در فرودست سرداران دیگر قرار می گرفت و در فرمانها نیز مهرش پس از آنها زده می شد. بنابراین علیشیر به زودی از منصب اعطایی سلطان حسین بایقرا، یعنی محافظت مهر بزرگ همایون استعفا کرد. علیشیر نوایی به عنوان نزدیکترین فرد به سلطان اجازه داشت دیدگاهها و صوابدیدهای خود را به او بگوید، حتی اجازه داشت که موردی را تا سه مرتبه به شاه تذکر دهد.

پس از استعفا از منصب اعطایی سلطان یعنی محافظت مهر بزرگ همایون به امارت دیوان اعلی - از مهمترین مناصب دربار تیموریان - منصوب شد.<sup>۲</sup> ولی این منصب را نیز مدت زیادی حفظ نکرد و به زودی دست از مهمات دنیوی باز کشید و کنج عزمت و درویشی گزید.<sup>۳</sup>

۱- فراهانی منفرد، همان، صص ۲۰۰-۱۵۵.

۲- میر فلک جناب علیشیر کز شرف عاجز بود ز درک کمالات او خرد

دیوان نشست آخر شعبان بناد و عدل از لطف شاه غازی. والحق چنین سزد

چون مهر زد به دولت سلطان روزگار تاریخ شد همین که «علیشیر مهر زد» (۸۷۶ هجری قمری)

-جامی. همان، ص ۲۴۵.

۳- نوایی. همان، ص ۱۳۳؛ فراهانی منفرد، همان، صص ۱۷۶-۱۶۸.

از همین زمان، دوران دیگری در زندگی علیشیر نوایی آغاز شد که در آن، پیوندهای او را با جریانهای سیاسی و شخص سلطان حسین بایقرا محدودتر کرد. امیر علیشیر بر جاه و جلال دنیوی اهمیت چندانی قایل نبود و بیشتر با شاعران و علما و فضلا و هنرمندان در تماس بود.

تفاوت امیرعلیشیر با دیگر امیران ترک تبار عصر خود، این بود که او تنها یک نظامی نبود و بیشتر تکاپوهایش صبغه فرهنگی داشت؛ چنان که گاه مورد طعن مخالفان نیز قرار می گرفت و او را امیری می دانستند که فاقد توانایی نظامی است.

### آثار امیر علیشیر نوایی

خدمات امیر علیشیر نه تنها در ایجاد آثار علمی، ادبی و هنری روزگار خویش بسیار چشمگیر و برارنده است، بلکه شاعر و نویسنده و محقق و صاحب تألیفات ارزنده ای است. در اثر توجهات وی در عرصه علوم ادبی، دینی، تفسیر و سیره نبوی، آثاری بس مهم، جاودانه و ماندگار تألیف و ترجمه شد و نام وی در آغاز و یا انجام بسیاری از تألیفات و تراجم عصر وی به ثبت رسید که از آن جمله می توان از *نفحات الأنس و حضرات القدس، اشعه اللمعات و شواهد النبوت* از جامی، *روضه الصفا فی سیرت الانبیاء و الملوک و الخلفاء* از میرخواند، *درج الدرر فی سیر خیر البشر اصیل الدین هروی*، *روضه الاحباب فی سیره النبی و الال و الاصحاب و معراج النبوت فی ملارج الفتوت* میر جمال الدین عطاءالله، *خلاصه الخبر و مآثر الملوک و مکارم الاخلاق* خواند میر و *بلایع الصنایع*، تفسیر حسینی ملا واعظ کاشفی نام برد.

امیر علیشیر نوایی دارای آثاری به ترکی و فارسی است.

تصنیفات وی به شرح ذیل است:

- ۱- حیره الابرار ۲- فرهاد و شیرین ۳- مجنون و لیلی ۴- سد سکندری ۵- قصه شیخ صنعان ۶-
- خمسه المتحیرین ۷- منشآت ترکی ۸- تواریخ ملوک عجم و انبیاء ۹- عروض ۱۰- مفردات در فن معما
- ۱۱- وقفیه ۱۲- حالات سید حسن اردشیر ۱۳- حالات پهلوان محمد ابوسعید ۱۴- مجالس النفاس<sup>۱</sup>
- ۱۵- میزان الاوزان ۱۶- منشآت فارسی ۱۷- مناجات نامه ۱۸- محبوب القلوب ۱۹- نظم الجواهر ۲۰-
- سراج المسلمین ۲۱- رباعین منظوم ۲۲- مثنوی لسان الطیر و...<sup>۲</sup>

۱- میر جعفری، حسین (۱۳۸۱). تاریخ تیموریان و ترکمانان. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ص ۱۵۵.

۲- جامی. همان، صص ۶-۲۵۵.

غزلیات وی پنج دیوان است که شامل چهار دیوان ترکی و یک فارسی است: ترکی شامل ۱- *خمرالشب الصغر* ۲- *خواندالشباب* ۳- *بلیاع الوسط* ۴- *فوائد الکبر* دیوان فارسی وی شامل شش هزار بیت است.<sup>۱</sup>

که جادو دمان را بود مهر لب	به ترکی زبان نقش آمد عجب
بسه نظم دری، در نظم آوران	ببخشید بر فارسی گوهران
نماندی مجال سخن گستری	که گوری بد آن هم به لفظ دری
نظامی که بودی و خسرو کدام <sup>۲</sup>	به میزان آن نظم معجز نظام

### امیر علیشیر و امورات عام المنفعه

بنابر آنچه که معاصرین و تذکره نویسان در شرح احوال میر علیشیر نوشته اند، او در حیات خود تأسیسات خیر و بناهای مفید بسیار داشته است که فخری هراتی عدد بناهای خیریه او را سیصد و هفتاد ذکر می کند<sup>۲</sup> و اکثر آنها در حال حاضر در خاک افغانستان و خصوصاً در اطراف شهر هرات و در جمهوری های آسیای میانه است. در ایران هفت بنا بیشتر شناسایی نشده است که عبارتند از:

۱- **ایوان جنوبی صحن عتیق مقبره حضرت امام رضا (ع)** در مشهد که بنای آن منصوب به امیر علیشیر نوایی است. نمای خارجی آن کاشی کاری و داخل ایوان با خشتهای طلا مزین شده است و در پایه راست و بالای سر در ایوان و پایه طرف چپ سوره مبارکه مریم کتابت شده است و در خلال سطور کتیبه با کاشی زرد و خط کوفی ریز قسمتی از سوره مبارکه یس نوشته شده است و نام کاتب اصلی و امیر علیشیر نوایی - بانی ایوان - احتمالاً در زلزله سال ۱۰۸۴ هجری از بین رفته است.

۲- **مزار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری:** در تذکره *الشعراء* دولتشاهی آمده است که «قبر شیخ در بیرون شهر شادیاخ در محلی به نام شهر بازرگان و عمارت آن زاویه مختصر و ویران بود که نظام الحق و الدین امیر علیشیر بر سر روضه منوره شیخ که ملتجای زوار است عمارتی ساخته که در دلگشایی پر نورتر از روضه رضوان و در فرح بخشی جان فزای تر از مز مرغزار جنان است».<sup>۳</sup>

۱- نوایی. همان، صص ۵-۱۳۴.

۲- جامی، نورالدین عبدالرحمان، (۱۳۳۷)، *مثنوی هفت لورنگ*. به کوشش مرتضی مدرس گیلانی. تهران: سعدی، ص ۱۰۲.

۳- نوایی. همان، ص ۱۳۴.

۴- همان، ص یب، به نقل از دولتشاهی، *تذکره الشعراء*. لیدن: بی تا، ص ۱۸۹.



۳- آب خیابان مشهد: دولت‌شاه سمرقندی در شرح حال امیر علیشیر به اقدام امیر در ساختن مجرای این آب در مشهد اشاره کرده و می‌نویسد: «او به عنایت الهی چند وقت است تا همت عالی بر خیری گماشته که آب چشمه گل (گلسب) را که از مشاهیر عیون خراسان است و از منزهات جهان و در اعلی ولایت طوس واقع است به مشهد مقدس رضویه آورد و مجاوران و مقیمان مشهد مقدس را از جور بی آبی خلاص سازد و در این کار مدد همت اهل الله شامل حال این امیر کبیر است، منبع این آب که مجموع در ناهمواریها و شکستگی‌ها آب می‌باید آورد و این خیر بر جمیع خیرات شریفه اش شرف دارد و مشهد مقدس از این جوی رشک بهشت برین و غیرت نگارخانه چین خواهد شد انشاءالله، قال نبی «افضل الاعمال سقی الماء»<sup>۱</sup>.

۴- رباط سنگ بست: مزرعه سنگ بست در هفت فرسخی شرق مشهد در مسیر دو راهی مشهد به تهران و مشهد به هرات قرار دارد و قبر لارسلان جاذب در این مکان واقع شده است و آبدادی سنگ بست نیم فرسخ از راه فاصله دارد که این رباط از ابنیه خیریه امیر علیشیرنوایی است.<sup>۲</sup>

۵- رباط دیز آباد: دیزآباد دهی در دوازده فرسخی جنوبی مشهد در کنار مسیر تهران و در نزدیکی نیشابور است و ساکنان آن که اسماعیلی‌اند، در تمام فصول سال دارای باد شدیدی هستند. یکی از آثار خیریه و مهم امیر علیشیر در آنجا رباطی آجری است که تاکنون پا برجاست و شبیه به رباط سنگ بست است ولی عظمت آن را ندارد.<sup>۳</sup>

۶- بند آجری قریه طرق: در مقابل رودخانه مغان و خان رود ساخته شده و قریه طرق به وسیله آب این بند و رودخانه زراعت می‌شود برای بند مذکور مدرک تاریخی یافت نشده ولی چون در خراسان این موضوع اشتهار دارد و در ثبت آستان قدس ساختمان این بند به نام میر نظام الدین علیشیر است، جزو آثار او منظور می‌شود.<sup>۴</sup>

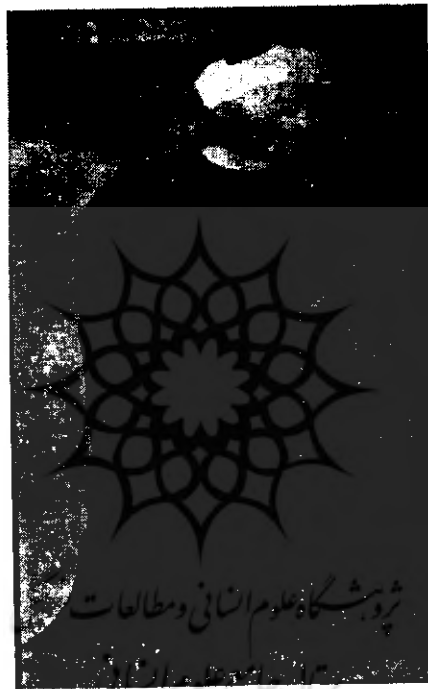
۱- نوایی. مجالس النفاست، صص ۱۰۶-۱۰۷، به نقل از دولت‌شاهی تذکره الشعراء، ص ۵۰۶.

۲- نوایی. همان، ص ۱۰۷.

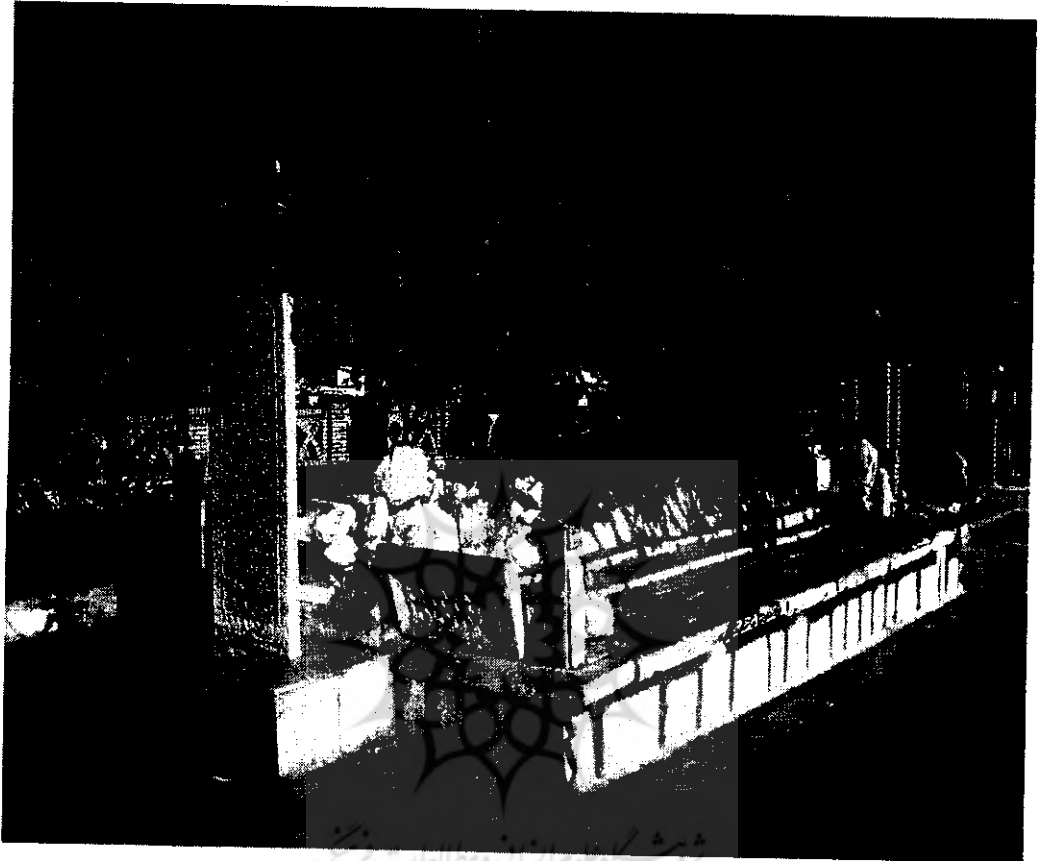
۳- همان، ص ۱۰۷.

۴- همان، ص ۱۰۷.

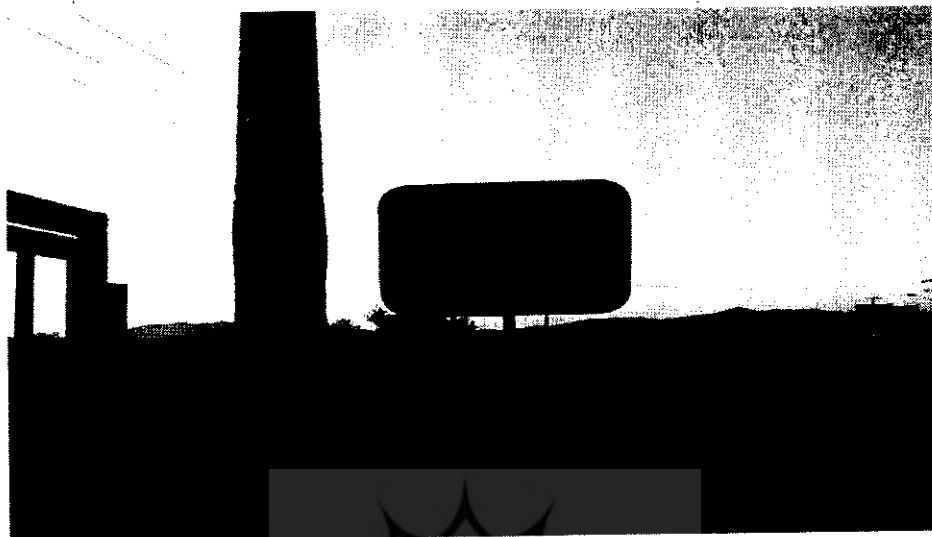
۷- بنای مقبره قاسم الاتوار تبریزی: قریه لنگر در خرگرد جام محلی است که سید قاسم الاتوار برای اقامت برگزید و در آنجا وفات یافت و بنایی که در آنجا موجود است همان بقعه سید قاسم الاتوار است که امیرعلیشیر آن را ساخته و دولت‌شاه سمرقندی نیز بنای این مقبره را به او نسبت داده است.<sup>۱</sup>



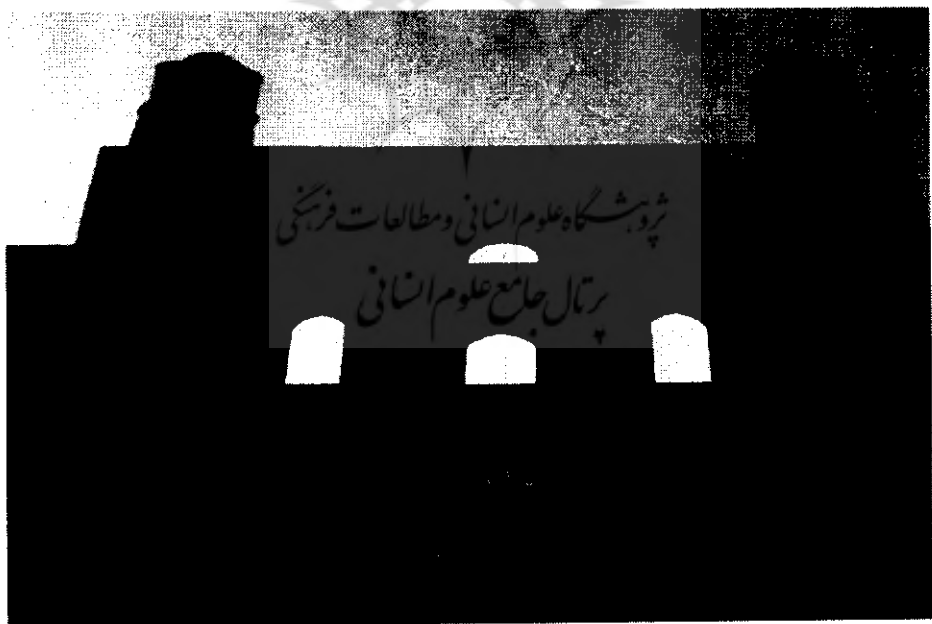
امیر علیشیرنوائی، وزیرسلطان حسین بایقرا که حامی طریقت نقشبندیه بود.



مقبره نورالدین عبدالرحمان جامی که در نزدیکی مقبره سعدالدین کاشغری و عبدالله هاتفی در شهر هرات افغانستان واقع شده است.



مقبره سلطان حسین بایقرا تیموری که در نزدیکی مصلی شهر هرات افغانستان واقع شده است.



سر درب مقبره ابوالولید آزادانی در اطراف شهر هرات افغانستان

### کتابنامه

۱. جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۳۷). *مثنوی هفت لوزنگ*. به کوشش مرتضی مدرس گیلانی. تهران: سعدی.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). *رساله منشآت*. تصحیح عبدالعلی نوراحراری. تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۶). *نصائح الامس من حضرات الفلاس*. تصحیح و مقدمه مهدی توحیدی پور. تهران: سعدی.
۴. حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۶۱). *تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان (از مولوی تا جامی)*. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۵. خواند میر (بی تا). *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*. زیر نظر محمد دبیر سیاقی. ج ۴، تهران: پیام.
۶. رویمر، هانس روبرت و دیگران (۱۳۸۲). *تاریخ ایران دوره تیموریان* کمبریج ۶ ترجمه یعقوب آژند تهران: جامی.
۷. سمرقندی، دولت‌شاه (بی تا). *تذکره الشعراء*. به همت محمد رضانی. تهران: انتشارات خاور.
۸. فراهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۲). *بیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۹. میر جعفری، حسین (۱۳۸۱). *تاریخ تیموریان و ترکمانان*. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۱۰. نظامی باخرزی (۱۳۸۳). *عبدالواسع*. مقالات جامی. مقدمه نجیب مایل هروی. تهران: نشر نی.
۱۱. نوایی، میر علیشیر (۱۳۶۳). *تذکره مجالس النفائس*. به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات منوچهری.
۱۲. نیشابوری، میر عبدالاول (۱۳۸۰). *احوال و سخنان خواجه عیبالله احرار*. تصحیح عارف نوشاهی. تهران: مرکز انتشارات دانشگاهی.
۱۳. واعظ کاشفی، مولانا فخرالدین علی بن حسین (۱۳۳۵/۲۵۳۶). *رشحات عین الحیات*. مقدمه و تصحیح علی اصغر معینیان. ج ۱، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
۱۴. هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹). *مجمع الفصحا*، به کوشش مظاهر مصفا. ج ۴، تهران: امیرکبیر.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی